



والدینی که نگران نبوغ فرزندانشان هستند

کودکان نابغه، درخشان و رنجور!

ما در خیالاتمان خودمان را باهوش و شگفت‌انگیز تصور می‌کنیم. وقتی امتحان‌ها ایمان خراب می‌شود، به خودمان دل‌داری می‌دهیم که اینشتین هم در مدرسه عملکرد بدی داشت و وقتی «جان نش» را در فیلم ذهن زیبا می‌بینیم که برای آدم‌های خیالی ساخته ذهن خودش گزارش‌های محرمانه می‌نویسد، دل‌مان می‌خواهد جای او باشیم؛ درخشان و رنجور. اما گزارش مگی فرگوسن از زندگی روزمره بچه‌های نابغه نشان می‌دهد اگر دور و برتان واقعاً آدم نابغه‌ای باشید، خدا را شکر می‌کنید که جای او نیستید. مگی فرگوسن نویسنده، روزنامه‌نگار و سردبیر ادبی مجله تبلت گزارش خود را در وب‌سایت اکونومیست ۱۸۴۳ منتشر کرده و وب‌سایت ترجمان نیز آن را با ترجمه محمد معمار بان انتشار داده است. در ادامه این گزارش را با کمی تلخیص می‌خوانید.

■ **بچه‌های نابغه در وادی حیرت و نگرانی**

بچه‌های باصطلاح «پیش‌رس» معمولاًنگ می‌خورند که دست پرورده والدین تحمیل‌گر طبقه متوسطند. پرورش و محیط، آشکارا نقش مهمی در رشد فکری هر کودکی بازی می‌کند، اگر سر میز شام با کودک‌تان درباره سیاست حرف بزنید، بعید نیست مطمئن و بی‌پروا نظراتی درباره شیوه شایسته اداره امور دنیا در ذهنش بیوردد، اگر به فرزند نوپایتان بگویید تکه‌های شیرینی را در گوشه و زاویه قالب بچیند، بعید نیست تمایل زودنگامی به ریاضی پیدا کند. کار نیکو کردن می‌تواند نتیجه پر کردن باشد. کودکی که استعداد ناختن پیاپو دارد و روزی پنج ساعت تمرین می‌کند، بیشتر از کودک مستعد دیگری که فقط ۲۰ دقیقه در هفته تمرین می‌کند احتمال دارد که بالاخره در سالن اجرا داشته باشد. جامعه، هوش را غنیمت می‌شرد. مردم با حیرت به نوابع می‌نگردن و گمان می‌کنند شکوفایی تار هم دارد. «هنسا» یک سازمان بین‌المللی است که در

سال ۱۹۶۴ در بریتانیا برای پرورش باهوش‌ترین افراد آن مردم باهوش‌ترین‌ها را پرورش داد. وقتی از طریق منسا خواستار آن شدم که حرف‌های بچه‌های مستعد و والدین‌شان را بشنوم، صندوق ایمیلم پر از پیام شد که اکثرشان آکنده از نگرانی بودند، با آنهایی که حرف زدم، می‌گفتند از درس‌های منسادهت بقیه، جرت نمی‌کنند درباره توانایی‌های فرزندانشان با دیگران حرف بزنند و اگر کسی با همدردی شنوای حرفشان باشد، پریشانی‌شان را با چنان طول و تفصیلی بیان می‌کنند که بعید می‌دانم بشود مکالمه تلفنی را تمام کرد. تقریباً همگی‌شان می‌ترسند

سبک تربیت

■ **محد ثه معصومی**

کودک ما، مفاهیم را به خوبی می‌فهمد. مثلاً بیشتر از سه سال دارد یا اگر هم کوچک‌تر است، درک انتزاعی دارد. در این موارد بابت لجاجت‌های بی‌مورد کودک (یعنی لج‌هایی که از روی خستگی و بیماری نیستند)، باید برخورد جدی‌تری داشته باشیم. باید میزان و شدت محرومیت‌ها را بیشتر کرد. بگوییم: «چون شما بزرگ شدی و این رفتار درست نبود، پس تا یک ساعت تلویزیون ممنوع تا الان بیرون نمی‌روی». پس متناسب با سن و روحیه کودک او را محروم کنیم. اگر خواست شیون داشته باشد، با آرامش توضیح دهیم که شیون بیشتر برابر است با تنبیه بیشتر. این روش برای مواردی است که کودک درک خوبی از شرایط و عواقب دارد.

گاهی یک کودک را می‌بینیم که روش لج کردن او چیزی غیر از قشقرق است. مثلاً از غذا خوردن امتناع می‌کند یا با مادر رنگی روی دیوارها خط می‌کشد یا هزاران کار دیگری که والدین را به مرز جنون می‌کشاند. با این بچه‌های جسور چه کنیم؟ روش غالب کودکان قشقرق است اما گاهی بعضی کودکان خلاقیت نشان می‌دهند. علتش هم این است که این کودک چشم‌اسفندیار والدینش را پیدا کرده است؛ پس از همان نقطه به آنها فشار می‌آورد تا آنها را تسلیم خود کند.

بهترین واکنش این است که در برابر این رفتار کودک، تغافل به خرج دهید. انگار نادیده‌اید. بعد در شرایطی دیگر آن خرابکاری عظیم را جبران کنید.

سایر عرصه‌های زندگی فرد دارد؟ و اگر آری، تأثیرش چیست؟ کودک‌ان نابغه اغلب آن چیزی را تجربه می‌کنند که روانشناسان «رشد ناهماهنگ» می‌نامند: توانایی استثنایی‌شان در برخی عرصه‌ها نشانه بلوغ پنداشته می‌شود ولی جنبه‌های دیگر با آن سرعت رشد نمی‌کنند. آندرا یا انگورا از مؤسسه پنتشال پلاس می‌گوید: «در این بچه‌ها، آن بخش‌هایی از مغز که یادگیری کلمات، الگوها و اعداد را کنترل می‌کنند بسیار سریع رشد می‌کند ولی بخش قدامی مغز که تنظیم هیجانات را کنترل می‌کند، با آن سرعت رشد نمی‌کند.»

کودک مستعد شاید در تسلط بر چیزی مثل ریاضی توانایی پیشرفته‌ای داشته باشد اما ظرفیت محدودتری برای سر و کله زدن با محیط اجتماعی دارد که یک بخش مهم دیگر از بزرگ شدن و جای گرفتن در جریان زندگی‌اش است. انگورا می‌گوید: «کودک مستعد شاید در معرض فروپاشی اجتماعی کامل باشد. او درک نمی‌کند بقیه بچه‌ها چطور کارهایشان را می‌کنند ولی او نمی‌تواند هیجان‌ناشن را کنترل کند». به گفته او، وقتی در برخی عرصه‌ها توانایی استثنایی داری، یعنی در مابقی عرصه‌ها به حمایت‌مناسب‌تری نیازمند هستی.

کندل چند مشخصه مشترک میان کودک‌ان مستعدی شناسایی کرده است که هیچ اختلال رفتاری مشخصی ندارند. یک خصیصه آن است که بسیاری از آنها عمیقاً مضطربند، یا معمولاً نتیجه زنده‌اندیشی به همه‌چیز و هر چیز است. او می‌گوید: «مغزتان ظرفیت پرداختن به همه متغیرها را دارد، لذا ناگزیر چنین می‌کند.» الگوی خواب این بچه‌ها هم غالباً با هنجار رایج فرق دارد، و چون سخت می‌توانند مغزشان را خاموش کنند. مادر یک بچه نابغه به من گفت که پسرش تا وقتی تقریباً پنج‌ساله شد، بیش از ۹۰ دقیقه خواب مستمر نداشت.

خط و ربط‌های بین نوابع و مسائل سلامت تن و روان به همین‌جا ختم نمی‌شود. نسخه منسا در آمریکا که بیش از ۵۰ هزار عضو دارد، می‌گوید که اعضای «مغزهای مافوق» دارند. یک پیمایش اخیر میان اعضای آن نشان داد افرادی که هوش بالای خارق‌العاده دارند، اغلب دچار «بیش‌هیجان‌پذیری» یا «فوق‌حساس‌بودگی» هستند، مثلاً هشیاری بالاتر یکی از پنج حس، تجربه هیجانات بسیار شدید، یا سطح بسیار بالای انرژی. در میان این افراد، نرخ افسردگی، اضطراب و اختلال کم‌توجهی- بیش‌فعالی بیشتر از متوسط جامعه است. حتی می‌توان مستعد بودن را با عارضه‌های فیزیولوژیک مثل انرژی غذایی، آسم و بیماری‌های خودایمنی مرتبط دانست، که گاهی همراه با «اختلال پردازش حسی» است. برای بسیاری از افرادی که هوش خارق‌العاده دارند، هر محرکی از قبیل صدای رادیو

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

بهترین راه آموزش یک کودک نابغه چیست؟ چالش‌های این راه پیچیده‌اند و اغلب حل‌هر یک به‌ وخیم‌تر شدن دیگری می‌انجامد. از یک سو، آنها می‌توانند زودتر و سریع‌تر از همسالانشان بر محتوا تسلط پیداکنند. از سوی دیگر، چون مهارت‌های اجتماعی بسیاری از این کودکان کمتر رشد پیدا کرده، برایشان بسیار دشوار است که کودک به معنای سنتی‌اش باشند یعنی با بقیه بچه‌ها جوش بخورند و آن مهارت‌های غیر کلامی و غیر آزمودنی را بیاموزند که با فعالیت اجتماعی فرامی‌گیرند تا آماده بزرگسالی شوند

در پس‌زمینه، رنگ یا بافت غذا، یک تابلوی شاداب روی دیوار کلاس یا برچسب‌کنده‌نشده یک تکه لباس می‌تواند تحمل‌ناپذیر باشد. بسیاری از کودکان نابغه با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند. کندل چنین توضیح می‌دهد: مشکل این است که اگر همه بگویند باهوشید، آنگاه مجبور نیستید تلاش کنید، لذا تاب‌آوری هم در شما شکل نمی‌گیرد. او با کودکان مستعد بسیاری کار کرده است که «به خودشان زحمت نمی‌دهند قلم روی کاغذ بکشند.»

■ **مصائب آموزش یک کودک نابغه**

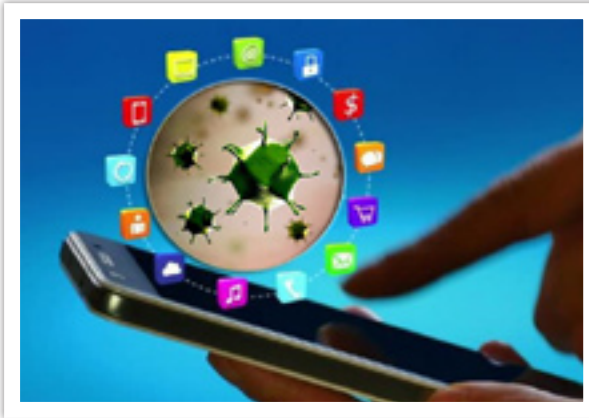
بهترین راه آموزش یک کودک نابغه چیست؟ چالش‌های این راه پیچیده‌اند و اغلب حل‌هر یک به‌ وخیم‌تر شدن دیگری می‌انجامد. از یک سو، آنها می‌توانند زودتر و سریع‌تر از همسالانشان بر محتوا تسلط پیدا کنند. از سوی دیگر، چون مهارت‌های اجتماعی بسیاری از این کودکان کمتر رشد پیدا کرده، برایشان بسیار دشوار است که کودک به معنای سنتی‌اش باشند یعنی با بقیه بچه‌ها جوش بخورند و آن مهارت‌های غیر کلامی و غیر آزمودنی را بیاموزند که با فعالیت اجتماعی فرامی‌گیرند تا آماده بزرگسالی شوند. همچنین این کودکان ممکن است بی‌آنکه خودشان بخواهند، بچه‌هایی پر مدعا به نظر برسند که حتی اگر هم حسن‌نیت کامل داشته باشند، بقیه بچه‌ها و بزرگسالان اصلاً نخواهند دور و برشان بایکنند. کودکان بسیار باهوش ممکن است برای بزرگسالان، به‌ویژه معلمان، تهدیدآمیز باشند؛ وقتی یک بچه کوچک جوری می‌کشد، او به معنای دقیق کلمه بیش از بزرگسالان دور و برشانی می‌داند و نمی‌تواند جلوی خودش را بگیرد که دانسته‌هایش را به آنها بگوید.

■ **دوران کودکی ناشاد برای نوابع**

ژیکم اونگ یونگ یک کودک عجبوه در کره جنوبی بود. او که اکنون در دهه ششم زندگی‌اش مهندس عمران شده است، احساس می‌کند سرش کلاه گذاشته‌اند و کودکی‌اش را گرفته‌اند. او در شش‌ماهگی زبان باز کرد و در دو سالگی به چهار زبان تسلط داشت. اولین دکترایش را در هشت‌سالگی گرفت و بعد تیم‌های استعدادیابی برای کار در ناسا سرافش رفتند. او گفته است: «زندگی‌ام مثل یک ماشین‌جلو می‌رفت. بیدار می‌شدم، معادله‌ای را که برای آن روزم تعیین شده بود حل می‌کردم، غذا می‌خوردم، می‌خوانیدم... تنها بومد و دوستی نداشتم». حتی آلبرت اینشتین که اسوه نبوغ شناخته می‌شود، در سال ۱۹۵۲ نوشت: «عجیب است که در دنیا چنین معروف باشی و در عین حال چنین تنها باشی.»

■ **تلخیص: مریم ترابی**

سبک ارتباط



در دسرهای بی‌پایان فقدان سواد رسانه در میان کاربران

ویروس کرونا در فضای مجازی!

■ **سیدامیر حسین حسینی***

وقتی شایعات به حریم خصوصی انسان‌ها مربوط باشد اهمیت و ریسک بالایی می‌یابد و به نوعی نیز برای اکثریت مردم جالب و جذاب خواهد بود. فضای مجازی به دلیل وجود گروه‌ها و کانال‌های متفاوت و متنوع و همچنین فراگیری آن در میان مردم به گونه‌ای که بسیاری از اخبار، ارتباطات خانوادگی و اجتماعی و حتی خریدها از طریق فضای مجازی صورت می‌گیرد جزئی تفکیک‌ناپذیر از زندگی افراد شده است. متأسفانه در کشور ما به دلیل عدم آموزش صحیح و آگاهی بخشی به خانواده‌ها به راحتی اطلاعات رد و بدل می‌شود بدون اینکه درستی یا نادرستی اخبار و اطلاعات از سالی مدنظر قرار گیرد. عده‌ای نیز با هدف جمع‌آوری دنبال‌کنندگان در صفحات مجازی خودشان و جلب توجه مخاطبان اقدام به نشر اخبار و آمارهای نادرست می‌نمایند. به همین منظور باید در میان مردم فرهنگ‌سازی صورت گیرد و آموزش‌های لازم به آنها داده شود تا اسیر اخبار دروغ‌بین و شایعات فضای مجازی نشوند. تبعات انتشار اخبار دروغ‌بین و شایعات گاهی جبران‌ناپذیر بوده و زیان‌هایی را در بر دارد و موجب ترویج فضای ناامنی و بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. یکی از موارد در این زمینه شیوع بیماری مسری و ویروس کروناست که اخبار ضد و نقیض فراوانی را در شبکه‌های مجازی و به نقل از افراد مختلف درباره این نوع ویروس شاهد هستیم.

به قدری دلپره به جان افراد انداخته است که بعضی‌ها حاضرند بدترین بیماری‌ها را بگیرند اما به ویروس کرونا مبتلا نشوند و متأسفانه این برداشت نیز محصول عدم آگاهی و سواد رسانه‌ای در افراد است که هر شنیده و دیده‌ای را مبنای واقعیت قرار می‌دهند و خود را درگیر ترس و وحشت می‌کنند. در شرایط به وجود آمده کنونی و شیوع این بیماری بیشتر از همیشه نیاز است تا فضای مجازی محیطی امن و سالم را برای مخاطبان به وجود بیاورد تا آرامش روانی در جامعه حکمفرما شود.

برای شناسایی اخبار جعلی و شایعات بی‌پایه و اساس باید به موارد زیر توجه کنیم:

۱- به سرخط اخبار شک کنیم: سرخط خبرهای جعلی اکثرآ جالب و تعجب‌برانگیز هستند، اگر سرخط خبر باورناپذیر بود احتمال دهید که خبر جعلی است.

۲- منبع خبر: اگر خبر از جایی به دست شما رسیده که برایتان نامشخص و ناشناست درباره آن اطلاعات بیشتری کسب کنید.
۳- تاریخ‌های وابسته به گروه‌های معاند و بیگانه: رسانه‌های زنجیره‌ای، بی‌سی، من و تو... اخبار جعلی را به طور هماهنگ تولید و پخش می‌کنند.

۴- فرمت‌های شناساخته: اخبار ساختگی در خودخطاها املائی و گرامری دارند و فرمت ظاهریشان هم غیرعادی و غیرمعمولی است.

۵- پیوست و مستندات اخبار: اخبار گزارش‌های جعلی معمولاً با اسناد و مدارک نشان نداده و سریعاً و بدون دلیل نسبت به انتشار آنها اقدامی نکنند.

معمولاً هر جقدر موضوع مورد نظر اهمیت داشته باشد میزان شایعات و اخبار کذب نیز در مورد آن بیشتر خواهد بود.

۷- نام نویسنده مطلب: مطالبی که در آنها هیچ منبعی درج نشده یا بدون نام نویسنده است می‌تواند نشانه ساختگی بودن آن باشد.

شایعات هرگز مواردی را ثابت نمی‌کنند، اما می‌توانند با ایجاد بی‌اعتمادی در بین مردم حوادث را در ابهام قرار دهند تا حقیقت وقایع، به راحتی و برای هر شخصی میسر نباشد.

مجازی فقط مختص مکان یا کشور خاصی نیستند و می‌توان گفت در هر نقطه‌ای از جهان که مردم، به وسایل ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی دسترسی داشته باشند به‌سادگی در هر لحظه و زمانی می‌توانند اخبار نادرست و جعلی را پلود کنند و جنگ روانی و اجتماعی را در میان کاربران به راه بیندازند و با ایجاد فضایی موهوم و نامن تنش و نگرانی را به وجود آورند.

فضای مجازی هم خوب است و هم بد، اما با استفاده درست می‌تواند فرصتی برای شکوفایی و رشد فکری افراد و منبعی برای اطلاع‌رسانی‌های صحیح باشد. بی‌شک با آموزش به افراد و بالا بردن سواد و آگاهی آنها در استفاده از فضای مجازی می‌توان به این مهم دست یافت.

در پایان باید گفت درباره هر خبری که می‌شنویم کمی بدبین باشیم، شک کنیم و از خود بپرسیم: آیا واقعاً این اتفاق افتاده است؟
* **پژوهشگر سواد رسانه‌ای**



با توجه به اینکه شایعات ذهن افراد

را به خود درگیر می‌کند می‌توان گفت بهترین راه برای امنیت کاربران در برابر آمار، اطلاعات و اخبار دروغ، افزایش سواد رسانه‌ای آنهاست.

سواد رسانه‌ای قادر است کاربران را در مواجهه با هر مطلبی که در شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود آگاهی بخشد